رابطهٔ دینداری با اعتماد اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان

فریده باقریانی *

مقدمه: *اعتماد اجتماعی، از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در روابط و تعاملات انسانی نقش حیاتی ایفا می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که دین، می‌تواند عامل مهمی در تولید اعتماد اجتماعی تلقی شود و با تقویت آن، اعتماد اجتماعی بیشتری در جامعه به وجود آید. بر همین اساس، مقالهٔ حاضر به تحلیل جامعه‌شناختی رابطهٔ دینداری و اعتماد اجتماعی پرداخته است.*

روش: *روش بررسی در این پژوهش پیمایش است که در بین ۳۴۶ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان در سال تحصیلی ۹۳- ۱۳۹۲، به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب، اجرا شده است.*

یافته‌ها: *از یک سو، بین ابعاد اعتقادی، پیامدی و مناسکیِ دینداری و اعتمادهای بنیادین و بین‌شخصی، و از سوی دیگر بین بُعد تجربی دینداری و اعتمادهای بنیادین، بین‌شخصی و نهادی، رابطهٔ مثبت وجود داشت.*

بحث: *در خصوص تناقضی که بین رابطهٔ ابعاد دینداری و اعتماد تعمیم‌یافته و نهادی مشاهده می‌شود، شاید این تفسیر درست باشد که یا دینداری در جامعهٔ آماری عمیق نیست یا اینکه محیط زندگی چنان از نظر اعتماد ضربه دیده است که حتی دینداریِ افراد، قادر به اقناع آنها در جهت حسن‌ظن به دیگر افراد جامعه نیست.*

کلید واژه‌ها: اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، اعتماد بنیادین، دینداری

تاریخ دریافت:۹۲/۴/۳۰ تاریخ پذیرش:۹۳/۶/۴

* کارشناس ارشد شیعه‌شناسی، گرایش جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، < farideh.bagheriani@yahoo.com > (نویسنده مسئول)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

مقدمه

اعتماد اجتماعی، از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در روابط و تعاملات انسانی نقش حیاتی ایفا می‌کند. از سطوح خرد (خانواده) گرفته تا سطح کلان (جامعه) و حتی در ساحت‌های فراتر از آن (جهانی)، اعتماد اجتماعی پدیده‌ای است که تسهیل‌گر روابط انسانی است. یکی از اساسی‌ترین مسائلی که جوامع امروز با آن مواجه‌اند، اعتماد اجتماعی است. به عبارتی، اعتماد یکی از ابعاد بسیار مهم زندگی بشری را تشکیل می‌دهد، به طوری‌که بشر امروزی بدون اعتماد اجتماعی، تا حد زیادی قادر به ادامه حیات اجتماعی نیست. حیات اجتماعی، زمانی دوام می‌یابد که حداقل یکی از پیش‌فرض‌های اساسی اعتماد اجتماعی برقرار باشد. در جامعهٔ کنونی نیز، پیشرفت و ترقی، زمانی میسر خواهد بود که در تعاملات اجتماعی افراد، اعتماد متقابل برقرار باشد. در واقع، اعتماد باعث تداوم کنش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و بدون آن، هیچ کنش متقابل مطمئنی صورت نخواهد گرفت (اینگلهارت، ۱۳۷۳). اعتماد از جنس عمل است و نَه شعار که از طریق روابط فردی و اجتماعی، تولید می‌شود. بزرگ‌ترین پشتوانه اعتماد، عملکرد شخصی و اجتماعی ما است. اعتماد با گذشته و حال ما عجین شده است و آینده ما را می‌سازد. در یک جامعه، هر اندازه از اعتماد بیشتر استفاده شود، افراد آن جامعه خود را در ارزش‌های فردی و اجتماعی بیشتر سهیم می‌دانند و بدین طریق پیوندهای اجتماعی مستحکمتر و انسجام جامعه، بیشتر می‌شود. اعتماد بیشتر به یکدیگر، سبب نهادینه‌شدن ارزش‌های اجتماعی و بدین طریق پیوندهای اجتماعی مستحکمتر و در نتیجه انسجام بیشتر جامعه، می‌شود و جامعهٔ منسجم با هزینه و زمان کمتری به اهداف خود می‌رسد (فاتحی، ۱۳۸۳). تحقیقات نشان می‌دهد که دین می‌تواند عامل مهمی در تولید اعتماد اجتماعی، تلقی شود و با تقویت آن، اعتماد اجتماعی بیشتری در جامعه به وجود آید. این موضوع از یک طرف در جوامعی مانند ایران که دارای ریشهٔ مذهبی قوی است و مذهب در تمام بخش‌های جامعه تأثیر دارد، اهمیت بیشتری دارد و از طرف دیگر مانند جوامع درحال توسعه دیگر،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جامعه‌ای درحال‌گذر است و به گواهی تحقیقات اجتماعی فراوان، هنوز هم با آنومی دست و پنجه نرم می‌کند. همچنین، از یک طرف اهمیت موضوع سرمایهٔ اجتماعی به طور اعم و اعتماد به طور اخص و از طرف دیگر اهمیت آن برای مللِ (جوامعی که کشور ما هم از آن مستثنا نیست) درحال‌توسعه، درگیر گذار و نابسامانی و بحران فرهنگی است که لزوم توجه بیشتر نهادهای دانشگاهی و مؤسسات تحقیقاتی به مفهوم اعتماد را نشان می‌دهد.

اهمیت انتخاب دانشجویان به عنوان جامعه آماری به این دلیل است که دانشجویان، قشر جوان و فعالی هستند که بهترین و بیش‌ترین وقت خود را صرف آموختن و کسب مهارت‌های زندگی می‌کنند. دانشجویان، جوان‌ترین عناصر فرهنگی به شمار می‌روند که با توان و نشاط روزگار جوانی و برخورداری از امکانات فرهنگی و هنری و علمی، شاخص و نماد ارزش‌های حاکم بر جوامع هستند. از این رو، شناخت نظرهای آنان می‌تواند ما را در شناخت اندیشه و عملکرد دیگر اقشار جامعه، یاری رساند. از این رو، این تحقیق به شناسایی نقش دینداری بر اعتماد اجتماعی، در بین نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان می‌پردازد.

پیشینهٔ تحقیق

پیشینهٔ تحقیق در دو سطح داخلی و جهانی قابل بررسی است:

الف) پیشینهٔ تحقیق در سطح داخلی

امیرکافی (۱۳۸۰) در پژوهشی تحت عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، دگرخواهی، تعهد درونی، تمایلات اظهاری، سرمایهٔ اجتماعی، مقبولیت اجتماعی و امنیت را در ارتباط مستقیم با اعتماد اجتماعی می‌بیند. از میان این متغیرها، دگرخواهی با ۴۴ درصد، بیشترین و امنیت با ۲۱ درصد، کمترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی دارد.

نتایج «طرح ملی پیمایش ارزشها و نگرش‌های اجتماعی مردم ایران» که از سوی دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) در ۲۸ مرکز استان کشور انجام شد،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

نشان داد که مردم به خانواده‌های خود اعتماد بسیاری دارند و تنها ۱/۸ درصد افراد به خانواده خود اعتماد نداشتند. این، نشان می‌دهد که روابط اجتماعی درون‌گروهی در حد بالایی در ایران وجود دارد. ۴۹ درصد به اقوام و خویشان و ۴۴ درصد به دوستان خود اعتماد دارند. این، نشان می‌دهد که ایرانیان به جز خانواده به دیگران اعتماد کمی دارند، حتی به دوستان خود. (غفاری، ۱۳۸۳).

صادقی ده‌چشمه (۱۳۸۸) در پژوهش «سنجش اعتماد اجتماعی و بررسی عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری»، ارزش‌های اخلاقی، عملکرد دولت و قانون‌گرایی، دینداری و امنیت را در ارتباط مستقیم با اعتماد اجتماعی می‌بیند که از میان متغیرها، ارزش‌های اخلاقی، عملکرد دولت و قانون‌گرایی دارای بیشترین همبستگی با اعتماد اجتماعی بوده و به جز اعتماد بنیادی و بین‌شخصی، میزان اعتماد در بقیهٔ انواع آن در حد متوسط و پایین‌تر از حد متوسط بوده است.

بختیاری (۱۳۸۹) در پژوهش «بررسی اعتماد اجتماعی و برخی عوامل مؤثر بر آن: مطالعهٔ موردی شهر قم» به این نتیجه رسید که دینداری، احساس تعلق به محله و رسانه‌های تحت نظارت رسمی با اعتماد اجتماعی رابطهٔ مثبت دارند و رابطه‌ای بین تحصیلات، وضعیت تأهل و سن، با اعتماد اجتماعی وجود ندارد.

ب) پیشینهٔ تحقیق در سطح خارجی

تحقیقی در مورد مشارکت سیاسی و اعتماد جوانان آلمان به نهادها در سال ۱۹۹۲، صورت گرفته که نشان می‌دهد علاقهٔ سیاسی در غرب آلمان قوی‌تر است، اما در شرق، افراد دارای تحصیلات بالا علاقهٔ سیاسی بالایی دارند. اعتماد به نهادها در سال‌های ۹۳-۱۹۹۱ کاهش یافته، اما مجدداً در حال احیا است (صادقی ده‌چشمه، ۱۳۸۸).

تحلیل داده‌های پیمایش ارزش‌های اروپا در سال ۱۹۸۱ که در سطح ۹ کشور اروپای غربی اجرا شده بود، با تمرکز بر اطمینان به مؤسساتی که برپایهٔ دموکراسی مدرن برپا شده‌اند، نشان داد که گروههایی که تحصیلات بالاتر دارند، در مقایسه با افرادی که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

تحصیلات پایین‌تر دارند، مؤسساتی را که برای دموکراسی مدرن ضروری می‌باشند، قابل‌اعتمادتر در نظر می‌گیرند. پذیرش در کلیسا و میهن‌دوستی با اعتماد به مؤسسات، همبستگی مثبت دارند. افرادی که خود را میهن‌پرست می‌دانند، تمایل به شکیبایی کمتر دارند و نسبت به شهروندان بدگمان‌اند (دورینگ، ۱۳۸۰).

تبریزی (۱۳۸۸) در پژوهش «عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان ایرانی خارج از کشور: مورد پژوهشی دانشگاه‌های کشور آلمان»، به این نتیجه رسید که متغیرهای طول مدت اقامت در خارج از کشور، وضعیت تحصیلی، تعدد سفر به ایران، نارضایتی و وضعیت اجتماعی- اقتصادی، به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی مطرح‌اند. همچنین، رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و گروههای سنی و جنسیت به دست نیامده است.

سلیگسون و سالازار به مطالعهٔ تطبیقی اعتماد بین‌شخصی و اعتماد سیاسی در روستاها و شهرهای کاستاریکا پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق، سطوح بالای اعتماد بین‌فردی را بین روستائیان و سطوح پایین اعتماد شخصی را بین شهرنشینان تأیید کرده و محققان نتیجه گرفتند که برعکس اعتماد بین‌شخصی، اعتماد سیاسی در شهرها بیشتر از روستاهاست. به نظر این دو محقق، این اعتقاد رایج که روستائیان غیرقابل اعتمادتر از شهرنشینان هستند، صحت ندارد (صادقی ده‌چشمه، ۱۳۸۸).

مبانی نظری

اعتماد اجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی و خمیرمایهٔ نظم در جامعهٔ مدنی است. به تعبیر زتومکا، اعتماد، سازوکار انسجام‌بخشی است که تجانس را در روابط اجتماعی و نظام‌ها، ایجاد و حفظ می‌کند. اعتماد، تسهیل‌گر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های دموکراتیک است. اعتماد، موجب پیوند شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می‌شود، بنابراین می‌توان گفت اعتماد، یکی از جنبه‌های مهم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

روابط انسانی است که به زمینه‌سازی همکاری میان اعضای جامعه منجر می‌شود. اعتماد یک نگرش و جهت‌گیری اخلاقی مثبت نسبت به دیگری است که آن دیگری، مورد تأیید است. اعتماد، مبین میزان ارزیابی ما از پدیده‌ای است که با آن مواجه‌ایم. همواره مثبت است. اعتماد، به عنوان یک جهت‌گیری اخلاقی معطوف به دیگری، حالتی از راحتی، اطمینان و اتکاپذیری را در بر دارد. به نظر آنتونی گیدنز، اعتماد، ابزار اطمینان نسبت به اشخاص یا نظام‌های مجرد، براساس نوعی جهش به ایمان است که معمولاً مشکل نادانی یا بی‌اطلاعی را برطرف می‌سازد (ساعی، ۱۳۹۰). مبانی نظری این تحقیق، براساس سه بخش شکل گرفته است که در ادامه هر یک تشریح می‌شوند: اول) انواع اعتماد اجتماعی، دوم) نظریه‌های اعتماد اجتماعی و سوم) نظریهٔ گلاک و استارک برای سنجش دینداری.

انواع اعتماد اجتماعی

اعتماد بین‌شخصی: اعتماد بین‌شخصی[1]، شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره، خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات مؤثر را موجب می‌شود. اعتماد بین‌شخصی، حوزه‌ای از تعاملات میان عشاق، دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار، راننده و مسافر و... را در بر می‌گیرد. به لحاظ نظری، در یک رابطهٔ مبتنی بر اعتماد، حداقل دو نفر حضور دارند: اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد (امین). در این رابطه، فرد مورد اعتماد، بالقوه می‌تواند واکنش‌های متفاوتی از خود بروز دهد که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد: واکنش‌های مثبت و واکنش‌های منفی. بررسی دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که روابط اجتماعی در ایجاد اعتماد بین‌شخصی، نقش اساسی ایفا می‌کنند. اعتماد بین‌شخصی در روابط و «برهم‌کنش‌های» اجتماعی معنا پیدا می‌کند؛ توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود. البته

1. interpersonal trust

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

کیفیت و نوع روابط اجتماعی (ابزاری یا اظهاری) و همچنین میزان و گسترهٔ روابط اجتماعی که از آن تحت عنوان «سرمایهٔ اجتماعی» نام برده می‌شود، در ایجاد و تقویت اعتماد بین‌شخصی، تأثیر بنیادی دارد. به اعتقاد جانسون، اعتماد همانند رابطه، از دو بُعد تشکیل می‌شود: این که شما نسبت به شخص دیگر چگونه رفتار می‌کنید و اینکه آن شخص نسبت به شما چه رفتاری دارد. اعتماد از طریق رشته‌ای از کنشها و اعمال حاکی از اعتمادکردن و قابل اعتمادبودن، ایجاد می‌گردد (امیرکافی، ۱۳۷۴).

اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته: اعتماد تعمیم‌یافته[1] را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به بیشتر افراد جامعه، جدای از تعلق آنها به گروههای قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. این تعریف بیانگر چند نکتهٔ اساسی است:

۱. اعتماد تعمیم‌یافته، تنها به افرادی که با هم، برهم‌کنش دارند و میان‌شان روابط چهره به چهره برقرار است، محدود نمی‌شود.
۲. اعتماد تعمیم‌یافته، حوزه‌ای از کسانی را که با ما برهم‌کنش دارند یا بالقوه می‌توانند برهم‌کنش داشته باشند، در بر می‌گیرد.
۳. اعتماد تعمیم‌یافته، مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد.
۴. اعتماد تعمیم‌یافته، پدیدهٔ نسبتاً جدیدی است که همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن یا دولت- ملت مطرح می‌شود.
۵. اعتماد تعمیم‌یافته، لازمهٔ همکاری و مشارکت میلیونها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند.

در جوامع سنتی، تعمیم‌یافته وجود ندارد؛ چراکه در چنین جامعه‌ای، خطوط فاصل مشخصی بین خودی و بیگانه و همچنین بین دوست و دشمن ترسیم می‌شود و اعتماد،

1. generalized social trust

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

محدود به کسانی است که به جمع و گروه تعلق دارند و هر کس خارج از آن قرار گیرد، مظنون و مشکوک است (امیرکافی، ۱۳۷۴).

اعتماد نهادی: اعتماد نهادی[1]، حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌هاست. نهادها و سازمان‌هایی نظیر مدرسه، ارتش، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی و مانند آن. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای گوناگون دارند، در بین جوامع متفاوت بوده و در طی زمان دستخوش تغییر می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۶). تکیه بر نهادها، راهی برای غلبه بر کمبود ساختاری اعتماد در همهٔ ابعاد است که به نحو اغواکننده‌ای، ساده و آسان می‌نماید. از آنجا که نمی‌توانیم به مردم اعتماد کنیم، ممکن است وسوسه شویم که به نهادها به عنوان واسطه و تعمیم‌دهندهٔ اعتماد، تکیه کنیم. نهادها اگر به خوبی طراحی شوند، می‌توانند زمینه‌ساز اعتماد به افرادی باشند که هرگز با آنها تماس نداشته‌ایم و هیچ پیوند اجتماعی مشترکی با آنها نداریم. نهادها پیش از هر چیز، مجموعه‌ای از قوانین هستند، ولی علاوه بر این، نقاط مرجع و ارزش‌های هنجارآفرینی را فراهم می‌کنند که می‌توان برای توجیه و معنادارکردن آن قوانین، به آنها تکیه کرد. به عبارت دیگر، نهادها از روح، شخصیت، نظریهٔ اخلاقی تلویحی، اصلِ راهنما یا نوعی شیوهٔ برترِ ارادهٔ زندگی جامعه، برخوردارند. اعتماد به نهادها، استنتاج این فرض است که این اندیشه برای تعداد کافی از مردم، آنقدر معنادار هست تا آنها را به حمایت مستمر از آن نهاد و رعایت قوانین آن، وادار کند. نهادهای موفق، چرخهٔ بازخورد منفی‌ای ایجاد می‌کنند: آنها برای کنش‌گران معنادار هستند و بنابراین کنش‌گران به حمایت و اطاعت از دستورات این نظام‌های نهادی، می‌پردازند. نهادها به دو صورت، اعتماد را در میان غریبه‌ها ایجاد می‌کنند. نخست، آنها به دلیل آنچه «اعتبار اخلاقی» و تأثیر سازندهٔ آنها بر دیگران می‌نامیم، دیگران را به اطاعت ترغیب می‌کنند. دوم اینکه به دلیل حقوق اجتماعی و حمایتی که فراهم می‌سازند، می‌توانند خطرات ناشی از اعتماد به

1. institutional trust

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

غریبه‌ها را محدود کنند. پس، نهادها واسطهٔ اعتماد هستند؛ چون نمایانگر ارزش‌های ویژه‌ای هستند و عملکرد آنها به گونه‌ای است که دلیل و انگیزهٔ وفاداری و اطاعت از این ارزشها را فراهم می‌آورند (افه، ۱۳۸۴).

اعتماد بنیادین: اعتماد به موجودیت لنگرگاه گونهٔ واقعیت، در معنای عاطفی و تا حدی در معنای معرفتی آن، ریشه در وثوق و اطمینان به اشخاص صالح و معتبر دارد که معمولاً از نخستین تجربیات کودک حاصل می‌گردد. چیزی که اریک اریکسون، به الهام از د. و. وینیکات، آن را «اعتماد بنیادین» می‌نامد؛ تشکیل‌دهندهٔ رابطه‌ای است که جهت‌گیری عاطفی-شناختی به سوی دیگران، به سوی دنیای عینی و به سوی هویت شخص، از آن سرچشمه می‌گیرد. تجربهٔ اعتماد بنیادین در حقیقت، هستهٔ همان «امیدواری» است که ارنست بلوک از آن سخن می‌گوید و منشأ چیزی را تشکیل می‌دهد که تیلیچ آن را «با شهامت بودن» می‌نامد. اعتماد بنیادین، در همان حال که تحت تأثیر توجیهات محبت‌آمیز نخستین مراقبان و سرپرستان کودک شکل می‌گیرد، رفته‌رفته هویت شخصی را به طرزی سرنوشت‌ساز به مهربانیها و خوشامدهای دیگران وابسته می‌سازد. این وابستگیها به نخستین مراقبان و سرپرستان که حاصل اعتماد بنیادین است، در واقع نوعی اجتماعی‌شدن ناخودآگاه است که مقدم بر دو مفهوم اساسی «من» و «من را» صورت می‌گیرد و شالودهٔ قبلی هر نوع تفاوت‌گذاری بین آن دو است. اعتماد بنیادین از خلال چیزی که وینیکات آن را «فضای بالقوه» می‌نامد (و در واقع نوعی پدیدهٔ زمان- فضا است) شکل می‌گیرد. فضای بالقوه، همان چیزی است که کودک و نخستین مراقب او را، حتی اگر دور از هم باشند، به یکدیگر پیوند می‌دهد. فضای بالقوه، به عنوان وسیله‌ای شکل می‌گیرد که کودک با توسل به آن از حالت خودمداری و توانایی بی‌حدومرز، خارج می‌شود و به واقعیت اصیل چنگ می‌اندازد. با این حال، واقعیت را در اینجا نباید به صورت نوعی دنیای عینی مشخص و معین به تصور درآوریم، بلکه آن را باید همچون مجموعه‌ای از تجربیات مشترک کودک و نخستین مراقبان او در نظر گرفت (گیدنز، ۱۳۸۳).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

نظریه‌های اعتماد اجتماعی

مفهوم اعتماد از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود و این اعتبار به حدی است که بررسی آن در اکثر نظریه‌های کلاسیک و یا متأخر، جایگاه ویژه‌ای یافته است. لذا در این پژوهش از نظریه‌های مرتبطی استفاده شده که به طور خلاصه، جمع‌بندی زیر از آن‌ها، ارائه شده است:

گیدنز: به نظر گیدنز، اعتماد نوعِ خاصی از اطمینان است و چیزی یکسره متفاوت از آن، نیست. گیدنز همچنین معتقد است که ارتباط ناب، منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبهٔ خود رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید، هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست‌کم در محدودهٔ رابطهٔ مورد نظر قابل‌اعتماد باشد. از آنجا که اعتماد تا بدین حد با خودمانی‌شدن مرتبط است، حفظ اصالت رابطهٔ مورد نظر ایجاب می‌کند که همان توازنی که در روابط خودمانی بین خودمختاری و در یکدیگر حل‌شدن لازم است، در اینجا هم مراعات گردد. نکتهٔ مهم در ساختن و پروراندن اعتماد در رابطه‌های ناب، آن است که هر کس باید شخصیت دیگری را به رسمیت بشناسد و قادر باشد به طور منظم، بعضی «پاسخ‌های مطلوب را از گفتار و رفتار او استنباط کند» (گیدنز، ۱۳۷۸).

زتومکا: زتومکا، جوهر اعتماد را انتظارات می‌داند. انتظارات حاصل‌شده از طریق عمل اعتماد و انتظاراتی که پیش از عمل وجود دارند. در تئوری زتومکا، رفتارهای ناظر، برحسب نوع انتظار، تنوع می‌پذیرند. اولین طبقهٔ انتظارات ناظر، بر ویژگی‌های ابزاری کنش‌گران است: الف) انتظار انضباط (هماهنگی، انسجام، تداوم و پایداری)، ب) استدلال‌آوری برای کنشها و ج) کارایی (صلاحیت، عملکرد مناسب و اثربخشی). دومین انتظار ناظر بر ویژگی‌های اخلاقی کنش‌گران است: الف) ما انتظار داریم دیگران به لحاظ اخلاقی مسئول باشند، یعنی به صورت صادقانه و شرافت‌مندانه عمل کنند و از قواعد اخلاقی پیروی کنند و صداقت نشان دهند. ب) انتظار داریم که دیگران مهربان، آرام و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

دل‌رحم باشند و با شیوه‌های انسانی با ما برخورد کنند؛ ج) انتظار داریم که دیگران راستگو، موثق و روراست باشند؛ د) انتظار داریم دیگران عادل و منصف باشند. وقتی اعتماد مبتنی بر انتظارات اخلاقی است، از آن تحت عنوان «اعتماد ارزش‌گرایانه» صحبت می‌کنیم. زتومکا، اعتماد را امری نسبی می‌داند و برای آن، یک رابطهٔ سه‌بُعدی قائل است: «الف» به «ب» برای انجام عمل «ج» اعتماد می‌کند. در تئوری زتومکا، برای اعتماد، دو نوع علت تعریف شده است: علت‌های ساختاری و علت‌های عاملیتی. علت‌های ساختاری عبارتند از: انسجام هنجاری، نظم اجتماعی، شفافیت سازمان اجتماعی، احساس انس و آشنایی با موضوع اعتماد و پاسخگویی به مردم و نهادها. ویژگی‌های ناظر بر سرمایهٔ جمعی افراد نیز موجب استفاده از فرصت‌های فرآهم‌آمده از طریق محیط ساختاری می‌شوند. ثروت، شغل مطمئن، تعدد نقش، قدرت، سواد، شبکه‌های اجتماعی، خانواده خوش‌بنیه و اعتقادات مذهبی، سرمایهٔ جمعی محسوب می‌شوند. به طور کلی، شرایط ساختاری، فرصت‌های ساختاری را برای اعتماد فراهم می‌سازند، این فرصتها از طریق قابلیت‌های عاملیتی، می‌توانند موجب ظهور فرهنگ اعتماد گردند (زتومکا، ۱۳۸۶).

جانسون: جانسون معتقد است برای ایجاد ارتباطات اجتماعی، شخص باید بتواند فضای آکنده از اعتماد ایجاد نماید که در نتیجه، ترس‌های خود و دیگری را از طردشدن کاهش داده، امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقاء بخشد. طبق دیدگاه وی، اعتماد یک خصیصهٔ شخصیتی ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط اجتماعی است که مدام در حال تغییر و پویایی است و این اَعمال اجتماعی افراد است که سطح اعتماد را در روابط اجتماعی آنها افزایش یا کاهش می‌دهد. همچنین، اَعمال اجتماعی آنها در ایجاد و حفظ اعتماد در روابط دوسویه و کنش‌های هر دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است. هر چند مفهوم اعتماد، حالت انتزاعی و پیچیده‌ای دارد و به سادگی نمی‌توان عناصر و ابعاد آن را مشخص کرد، ولی جانسون معتقد است که در یک رابطهٔ مبتنی بر اعتماد (اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد)، این عناصر وجود دارند: صراحت و باز بودن،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

سهیم‌کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری‌جویانه، رفتار مبتنی بر اعتماد، رفتار قابل‌اعتماد، اعتمادکننده بودن و قابلیت اعتمادداشتن. سطح اعتماد در محدودهٔ یک رابطهٔ اجتماعی، براساس توانایی و گرایش افراد برای اعتمادکردن و قابل اعتماد بودن، به طور گسترده، در حال تغییر است. هنگامی شما اعتمادکننده تلقی می‌شوید که در معرض ارتباط با دیگران و نیل به یک نتیجهٔ سودمند یا مضر از این ارتباط باشید. به بیان خاص، وقتی شما، خود، امین بوده و خواهان پذیرش و حمایت آشکار از دیگران باشید، اعتمادکننده هستید. زمانی شما قابل اعتماد هستید که به اقدام تهورآمیز شخصی، پاسخگو باشید و این تضمین ایجاد گردد که شخص مقابل، شاهد نتایج سودمند خواهد بود. به بیانی دقیق‌تر، شما وقتی قابل‌اعتماد هستید که نسبت به شخص مقابل، ابراز استقلال، حمایت و همکاری کنید؛ همانند زمانی که شما نسبت به صراحت و اعتماد وی، متقابلاً پاسخ و عکس‌العمل مساعد نشان دهید (قدیمی، ۱۳۸۶).

پاکستون: در نظریهٔ پاکستون، اعتماد یکی از ابعاد سرمایهٔ اجتماعی است. به نظر پاکستون، سرمایهٔ اجتماعی متضمن پیوستگی انجمنی عینی بین افراد یا ساختار شبکه عینی و پیوندهای ذهنی بین همان افراد است. ساختار شبکه عینی در یک حوزهٔ اجتماعی، افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. پیوندهای ذهنی بین افراد به نوع خاصی از ارتباط متقابل، اعتماد و داشتن عاطفه مثبت منجر می‌شود. براساس نظریهٔ پاکستون، پیوستگی انجمنی باید مبتنی بر اعتماد باشد. اعتماد و روابط انجمنی، بیانگر جنبه‌های ساختاری و شناختی سرمایهٔ اجتماعی هستند. به نظر پاکستون، سرمایهٔ اجتماعی، زمانی به وجود می‌آید که روابط بین افراد مبتنی بر اعتماد و نیز میزان هر دو بُعد مورد نظر، بالا باشد. اگر پیوندهای ذهنی ضعیف باشند، کنش‌گران ممکن است برای همکاری به راه‌های دیگری از جمله عقد قرارداد رسمی متوسل شوند. اگر پیوندهای ذهنی زیاد باشند، ولی روابط انجمنی بین افراد پایین باشد، حسن نیت وجود خواهد داشت، ولی به احتمال زیاد برای غلبه بر موانع همکاری مؤثر، نیازمند واسطه‌هایی خواهیم بود (فیلد، ۱۳۸۶).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

کلاس افه: افه، اعتماد را متضمن اطمینان می‌داند و از این تمایزگذاری برای رَدکردن اندیشهٔ اعتماد نهادی استفاده می‌کند. او معتقد است ما به ماندگاری و اعتبار نهادها اطمینان داریم، ولی اعتماد، فقط دربارهٔ کنش‌گران و نحوهٔ عمل و ایفای نقش آنها در نهادها مصداق دارد. او اعتماد به نهادها را عمیقاً اشتباه، ساده‌انگارانه و شیءپرستانه می‌داند و این دلایل را برای نظر خود ذکر می‌کند: نهادها، ناقص، مبهم و بحث‌انگیزند. او نتیجه می‌گیرد که اعتماد به نهادها، تنها با اعتماد به اطاعت داوطلبانهٔ کنش‌گرانی که قوانین نهاد دربارهٔ آنها مصداق دارد و اعتماد به کنش‌گرانی که نظارت و اجرای آن قوانین را برعهده دارند، توجیه‌پذیر است و چون خطر نقض این قوانین وجود دارد، اعتماد به افراد نیز ضروری است. بدین ترتیب، او اعتماد به نهادها را به اعتماد به شاغلان در نهادها تقلیل می‌دهد. نهادها اگر به خوبی طراحی شوند، می‌توانند زمینه‌ساز اعتماد اجتماعی باشند. یعنی اعتماد به افرادی که هرگز با آنها تماس نداشته‌ایم و هیچ پیوند اجتماعی مشترکی با آنها نداریم. نهادها چون نقاط مرجع و ارزش‌های هنجارآفرینی را فراهم می‌کنند و می‌توان برای توجیه و معنادارکردن مجموعهٔ قوانین آن نهاد به آنها تکیه کرد؛ به ما اجازه می‌دهند به دست‌اندرکاران آنها اعتماد کنیم. افه، کارکرد سازندهٔ نهادها را توانایی آنها برای شکل‌بخشیدن به گرایشها و آگاهی‌دادن از گرایش‌های رفتاری می‌داند. در نظر او، کارکرد سازندهٔ یک نهاد، در صورتی تحقق می‌یابد که مردمی که در این نهادها یا تحت کنترل آنها زندگی می‌کنند، با اندیشه‌های هنجارآفرینی که در آنها تجسم‌یافته است، از نظر شناختی آشنا شوند و از آنها اشباع گردند. نهادها براساس نظر افه، با دارابودن دو کارکرد، اعتماد تولید می‌کنند. کارکرد اول آنها، تولید اعتماد از طریق روشی است که به آن عمل می‌کنند. کارکرد دوم، راهکار کاستن از خطراتی است که فردِ اعتمادکننده را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر، نهادها باعث تسهیل اعتمادورزی از طریق کاهش دغدغه‌هایی می‌شوند که از اعتماد، حتی به غریبه‌ها، ناشی می‌شود (افه، ۱۳۸۴).

فوکویاما: فوکویاما، با نوعی رویکرد اقتصادی به مسأله اعتماد می‌پردازد و مبنای نظری و کانون تمرکز او بر حفظ «سرمایهٔ اجتماعی به عنوان مجموعهٔ معینی از هنجارها و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

ارزش‌های غیررسمی است و اعضای گروهی که با یکدیگر همکاری و همیاری دارند، در آن سهیم هستند». از دید فوکویاما، این ارزشها و هنجارها باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد. به طوری که مشارکت در این ارزشها و هنجارهای غیررسمی با چنین ویژگی‌هایی، توسط گروهی از افراد که با یکدیگر همکاری دارند، اعتماد را به وجود می‌آورد. البته به نظر فوکویاما، این همکاری و همیاری به منظور افزایش بهره‌وری اقتصادی صورت می‌گیرد و بنابراین، وی اعتماد را برمبنای سرمایهٔ اجتماعی و در عرصه اقتصادی مطرح می‌سازد. فوکویاما معتقد است که اعتماد اجتماعی در ساختار کشورهای صنعتی و سرمایه‌داری، نقش به‌سزایی داشته است؛ چراکه وی فرهنگ این کشورها را دارای سطح بالایی از سرمایهٔ اجتماعی می‌داند که در آن سطح بالای اعتماد اجتماعی باعث تشکیل گروهها و شرکت‌های جدید و همکاری آنها با یکدیگر می‌شود. به نظر فوکویاما «توانایی رقابت ملتها وابسته به داشتن سطح بالای اعتماد در جامعه به عنوان یک ویژگی فرهنگی فراگیر می‌باشد» (هزارجریبی، ۱۳۹۰).

در این پژوهش، باتوجه‌به نظریات گیدنز، فوکویاما، جانسون، زتومکا، پاکستون، پوتنام و افه، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، اعتماد بنیادین و اعتماد بین‌شخصی به عنوان ابعاد اعتماد اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.

نظریهٔ گلاک و استارک برای سنجش دینداری

به نظر گلاک و استارک، همهٔ ادیان جهانی به رغم آن که در جزئیات بسیار متفاوت‌اند، دارای حوزه‌هایی کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آنها را به مثابهٔ ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، عبارتند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی.

بُعد اعتقادی، باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، بدانها اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین خاص، به سه نوع باور تقسیم کردند: ۱) باورهای پایه‌ای مسلم که ناظر به شهادت‌دادن به وجود خداوند و معرفی ذات و صفات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

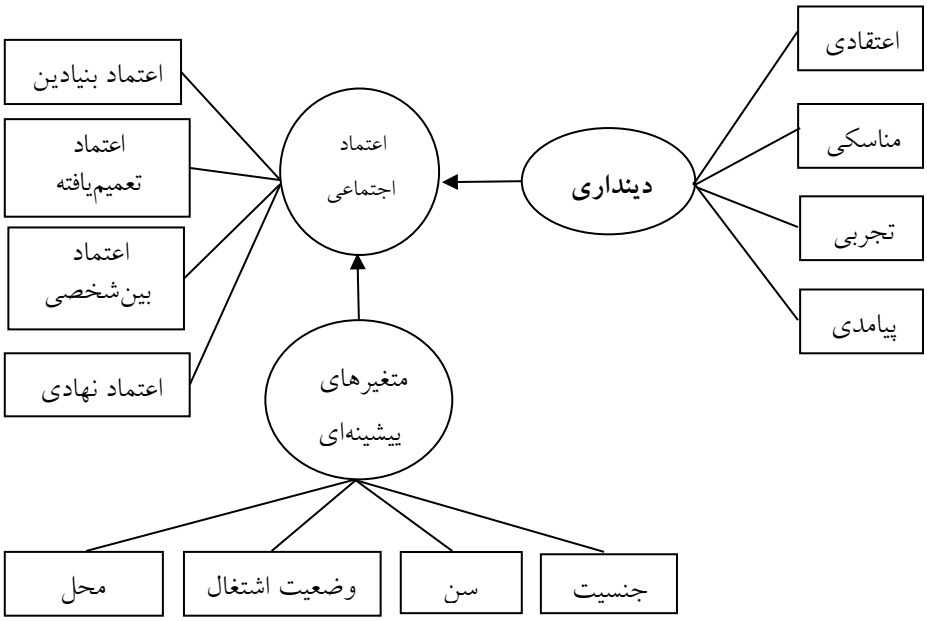
اوست؛ ۲) باورهای غایت‌گر که هدف و خواست خداوند از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف باز می‌نمایانند و ۳) باورهای زمینه‌ساز که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی‌ای را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، در بر می‌گیرد.

بُعد مناسکی یا عمل دینی، اَعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه‌گرفتن و... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند، در بر می‌گیرد. گلاک و استارک بر این نکته تأکید ورزیدند که لازم است در عملیاتی‌نمودن این بُعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز، بررسی شود.

بُعد تجربی یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعهٔ بُعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بُعد، روشی را مطرح کردند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی شامل، توجه، شناخت، اعتقاد یا ایمان و ترس را در بر می‌گرفت.

بُعد فکری یا دانش دینی، اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصولِ عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار می‌رود پیروان آنها را بدانند، شامل می‌شود. این بُعد، معرف مناسبی برای سنجش میزان دینداری فرد نیست، مگر این که گرایش‌های فرد را در سایر ابعاد دینی، به‌خصوص در بُعد اعتقاد دینی در نظر بگیریم. بُعد پیامدی یا آثار دینی شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمرهٔ فرد معتقد و روابط او با سایرین است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳). جعفری (۱۳۷۷) در ارزیابی مدل، گلاک و استارک اظهار می‌دارد: « به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی دربارهٔ جنبه‌های مختلف دین‌گرایی، یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندی‌هاست که در این زمینه انجام شده و لذا باتوجه‌به آن، برای محققان ضرورت درجهٔ اول را دارد و بدون این تقسیم‌بندی، جامعه‌شناسی دین قطعاً ناقص خواهد بود».

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق مبنی بر تأثیر دینداری بر سرمایهٔ اجتماعی

در این تحقیق، دینداری دانشجویان از طریق مدل گلاک و استارک، اندازه‌گیری و تلاش شده است به استثنای بُعد فکری مورد استفاده قرار گیرد. در ارتباط با بُعد فکری اسلام، باید گفت که اگرچه آشنایی با باورهای اصلی اسلام و قبول آنها با شناخت و آگاهی بر هر مسلمانی واجب است و حتی توصیه شده که مسلمانان، تاریخ اسلام را بدانند و در آیات الهی هم تفکر کنند، ولی باتوجه‌به این‌که آموزش دینی بخشی از آموزش رسمی در جامعهٔ ماست و حتی بخشی از یک آموزش اجباری در نظام آموزش ماست، این بُعد را نمی‌توان معرفِ معتبری در مورد دینداری دانست. ضمن آن‌که محققان دیگر هم حقیقت این ادعا را اثبات کرده‌اند. به علاوه، این بُعد در کشورهای غربی هم، معرف معتبری برای دینداری نبوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

فرضیه‌ها

۱. بین ابعاد دینداری و ابعاد اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.
۲. میزان اعتماد اجتماعی برحسب سن، جنس، محل زندگی و وضعیت اشتغال متفاوت است.

روش

ماهیت و روش تحقیق

پژوهش حاضر، از آن جهت که تأثیر دینداری بر اعتماد اجتماعی را در یک مقطع زمانی مشخص (سال ۱۳۹۲) مورد بررسی قرار داده، یک پژوهش «مقطعی» است و از آن جهت که به بررسی تأثیر ابعاد مختلف دینداری بر اعتماد اجتماعی می‌پردازد، پژوهشی توصیفی و تبیینی محسوب می‌شود. در ضمن، در این تحقیق به اقتضای موضوع و باتوجه‌به امکانات، روش پیمایشی به منزلهٔ مناسب‌ترین روش برای گردآوری اطلاعات، مد نظر قرار گرفت.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوهٔ نمونه‌گیری

جمعیت آماری این تحقیق را، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بهبهان تشکیل داده‌اند که شامل ۸۱۶۸ نفر (۲۳۶۹ نفر زن و ۵۷۹۹ نفر مرد) بودند و با استفاده از فرمول کوکران، ۳۴۶ نفر به عنوان حجم نمونه (۱۰۶ زن و ۲۴۰ مرد) انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش طبقه‌بندی متناسب بوده است.

اعتبار و پایایی پرسشنامه

– **اعتبار:** روش تعیین اعتبار پرسشنامه، اعتبار محتوی و صوری بوده است که براساس آن، پرسشنامه در اختیار اساتید و کارشناسان موضوعی قرار گرفت و پس از اعمال نظرات آنها در پرسشنامه، پرسشنامهٔ نهایی تدوین شد.

– **پایایی:** برای تعیین پایایی شاخص‌های پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۱) برآورد ضریب پایایی شاخص‌ها

شاخص‌ها	متغیرها	نوع متغیر	α
سرمایهٔ اجتماعی	اعتماد بنیادین	متغیر وابسته	۰/۷۷۹
	اعتماد بین‌شخصی	متغیروابسته	۰/۷۰۱
	اعتماد تعمیم‌یافته	متغیر وابسته	۰/۸۳۰
	اعتماد نهادی	متغیر وابسته	۰/۹۳۱
دینداری	بُعد اعتقادی دینداری	متغیر مستقل	۰/۸۷۲
	بُعد تجربی دینداری	متغیر مستقل	۰/۷۷۰
	بُعد مناسکی دینداری	متغیر مستقل	۰/۸۱۱
	بُعد پیامدی دینداری	متغیر مستقل	۰/۷۴۰

که نتایج، گویای آن است که دامنهٔ آلفا بین ۰/۷۰۱ تا ۰/۹۳۱ بوده و بنابراین گویه‌های هر کدام از شاخصها از سازگاری درونی و به عبارتی پایایی مناسب برخوردارند (جدول ۱).

سنجه‌ها

در این پژوهش با دو دسته متغیر سروکار داریم: یکی متغیرهای مستقل که عبارتند از: سن، جنس، محل زندگی، وضعیت اشتغال، ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی دینداری و دیگری متغیر وابسته که اعتماد اجتماعی به همراه ابعاد چهارگانهٔ بنیادی، بین‌شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی است. تعریف عملیاتی هر کدام از این دو دسته متغیر در جدول (۲) آمده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۲) تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر	نوع متغیر	ابعاد	شاخص	گویه‌ها
اعتماد اجتماعی	وابسته	اعتماد بنیادین	وجود اعتماد در بین اعضای خانواده	اعضای خانواده ما کاملاً به همدیگر اعتماد دارند.
				در خانواده‌ام رفتار محبت‌آمیز و صمیمانه حاکم است.
				در کنار خانواده‌ام احساس آرامش می‌کنم.
				اعتماد کردن یا نکردن به دیگران را در خانواده و در اوایل کودکی فهمیدم.
		اعتماد بین شخصی	صراحت	اگر از دوستانم ناراحت شوم، علت ناراحتی‌ام را به آنها نمی‌گویم.
				همه جا در مورد عقاید واقعی ام اظهار نظر می‌کنم.
			صداقت	اگر در محل کار یا کلاس درس نتوانم به موقع حاضر شوم علت واقعی آنرا به مسئول مربوطه نمی‌گویم.
				اگر کار غیر اخلاقی از من سر بزند شهامت گفتن آنرا دارم.
			اطمینان	اگر ماشین داشته باشم آنرا به دوستانم قرض میدهم.
				مسائل شخصی و خانوادگی ام را به هیچ کس نمی‌گویم.
			سهیم کردن	اگر دوستانم از من برای گرفتن وام بخواهند ضمانت کنم این کار را انجام می‌دهم.
				اگر بدانم در مؤسسه‌ای قرار است استخدامی صورت گیرد دوستانم را مطلع می‌نمایم.
			تمایلات همکاری‌جویانه	اگر شخصی در خیابان ادعا کند در این شهر غریب است و احتیاج به کمک دارد به او کمک می‌کنم.
				من اگر پولی داشته باشم ترجیح می‌دهم خود با آن کار کنم، تا اینکه با کسی شریک شوم.
		اعتماد تعمیم یافته	اعتماد به غریبه‌ها و اکثر مردم	این روزها به سختی می‌توان کسی را پیدا کرد که واقعاً بتوان به آنها اعتماد کرد.
				اکثر مردم در معامله با دیگران درستکار و بی شیله پیله‌اند.
				بیشتر افراد جامعه افرادی قابل اعتماد هستند.
				عموماً می‌توان به غریبه‌ها اعتماد کرد.
				ظاهر و باطن مردم خیلی با هم فرق می‌کند، نمی‌شود به کسی اعتماد کرد.
				خیلی از مردم جامعه، فقط به فکر خویش‌اند و واقعاً به جز خود به هیچکس اهمیت نمی‌دهند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

متغیر	نوع متغیر	ابعاد	شاخص	گویه‌ها
		اعتماد نهادی	اعتماد به گروهها و نهادهای اجتماعی	اعضای خانواده، اقوام و خویشان، دوستان، اهالی محله و همسایگان، دانشگاه، صدا و سیمای استانی و محلی، صدا و سیمای ملی و سراسری، پلیس و نیروی انتظامی، دادگاه‌ها، بیمارستانها، شهرداری، فرمانداری، آموزش و پرورش، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، قوه مجریه، خبرگان رهبری، نمایندگان شورای شهر و روستا، کمیته امداد، روحانیت، بانک‌ها، انجمن‌های خیریه، ادارات دولتی، بسیج مردمی.
دینداری	مستقل	اعتقادی	لزوم استمرار امر به معروف و نهی از منکر، اطمینان از وجود خدا و حیات پس از مرگ، اعتقاد به برتری قرآن	-اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم، فساد و فحشا دنیا را می‌گیرد. -هنوز مطمئن نیستم که خدا وجود دارد. -نسبت به حیات پس از مرگ تردید دارم. -به عقیده من قرآن هم یکی از کتب آسمانی است و برتری خاصی نسبت به سایر کتب آسمانی ندارد.
		تجربی یا عاطفی	عدم ترس از مرگ در صورت ایمان به خدا، داشتن زندگی پوچ، بی‌هدف در صورت نداشتن اعتقادات دینی و احساس معنویت عمیق در صورت رفتن به حرم ائمه، توکل به خدا و امیدواری به او	- کسی که به خدا ایمان دارد، از مرگ نمی‌ترسد. - بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است. - هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیاء می‌روم، احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد. - هیچ‌گاه خود را مأیوس و رانده شده درگاه الهی نمی‌یابم.
		پیامدی	تقید به دین و حدود شرعی در کارها، کمک کردن به مستمندان، عدم سخت‌گیری زیاد در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی، غیرقابل اجرابودن بسیاری از قوانین اسلام در جامعه امروزی	لازم نیست در همه زمینه‌های زندگی مقید به دین و حدود شرعی باشیم. لازم نمی‌دانم بخشی از وقت و مال خود را صرف مستمندان کنم زیرا مؤسسات خیریه عهده دار این کار هستند. در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید اینقدر سخت گیری کرد. به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد.
		مناسکی	نمازخواندن، روزه‌گرفتن، قرآن‌خواندن و شرکت در مراسم عاشورا	همواره نماز را دوست داشته‌ام. در صورتی که مسافر یا مریض نباشم، در ماه رمضان روزه می‌گیرم. به قدر کافی مشغله دارم که فرصتی برای تلاوت روزانه قران برایم نمانده است. در ایام شهادت امام حسین (ع) خود را عزادار می‌یابم و مایلم درمجالس آن شرکت کنم.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

نتایج این پژوهش نشان داد که از بین ۳۴۶ نفر پاسخگو، ۳۰/۶ درصد، زن و ۶۹/۴ درصد، مرد بودند. از لحاظ وضعیت اشتغال ۶۱ درصد بیکار و ۱۴/۵ درصد شاغل دولتی و ۱۹/۷ درصد، شاغل آزاد بودند. ۸۶/۱ درصد، در شهر و ۱۱/۸ درصد در روستا سکونت داشتند. گروه سنی ۲۱–۱۷ سال بیشترین درصد (۴۳/۱) و گروه سنی ۴۶–۴۲ کمترین درصد (۴) را به خود اختصاص داده است. همچنین، میزان اعتماد اجتماعی در چهار بُعد اعتماد بنیادین، بین‌شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی به ترتیب ۷۱/۷، ۴/۹، ۱/۴ و ۸/۴ درصد بود که اعتماد بنیادین، بیشترین درصد و اعتماد تعمیم‌یافته کمترین درصد را به خود اختصاص داده است.

یافته‌های استنباطی

فرضیهٔ ۱) بین ابعاد دینداری و ابعاد اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

– نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاوی– بی، حاکی از وجود رابطهٔ مثبت بین بعد اعتقادی دینداری و اعتماد بنیادین (r_s=۰/۱۴۶ ،p<۰/۰۱) و اعتماد بین‌شخصی (r_s=۰/۱۸۸ ، p<۰/۰۰۱) می‌باشد. یعنی هرچه بعد اعتقادی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد بنیادین و بین‌شخصی در آنها نیز بیشتر می‌شود. علاوه بر این، بعد اعتقادی دینداری رابطه‌ای با اعتمادهای تعمیم‌یافته و نهادی نداشت.

– نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاوی– بی، حاکی از وجود رابطهٔ مثبت بین بعد تجربی دینداری و اعتماد بنیادین (r_s=۰/۱۵۲ ،p<۰/۰۱)، اعتماد بین‌شخصی (r_s=۰/۱۲۳ ،p<۰/۰۵) و اعتماد نهادی (r_s=۰/۱۵۳ ،p<۰/۰۱) است. بنابراین، هرچه بعد تجربی افراد بیشتر باشد، میزان اعتمادهای بنیادین، بین‌شخصی و نهادی در آنها نیز بیشتر می‌شود. در ضمن، بعد تجربی دینداری رابطه‌ای با اعتماد تعمیم‌یافته، نداشت.

– نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاوی– بی، دلالت بر وجود رابطهٔ مثبت بین بُعد پیامدی دینداری و اعتماد بنیادین (r_s=۰/۱۲۳ ،p<۰/۰۵) و اعتماد بین‌شخصی (r_s=۰/۱۰۹ ،p<۰/۰۵) دارد. بدین صورت که هرچه بُعد پیامدی افراد بیشتر باشد، میزان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۳) آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاو-بی بین ابعاد دینداری و ابعاد اعتماد اجتماعی

ابعاد دینداری	ابعاد اعتماد اجتماعی	n	r_s	Kendall' Tau-b	*p*
اعتقادی	اعتماد بنیادین	۳۴۶	۰/۱۴۶	۰/۱۲۸	۰/۰۱<
	اعتماد بین‌شخصی	۳۴۶	۰/۱۸۸	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱<
	اعتماد تعمیم‌یافته	۳۴۶	-۰/۰۲۹	-۰/۰۲۶	۰/۰۵>
	اعتماد نهادی	۳۴۶	-۰/۰۶۰	-۰/۰۵۱	۰/۰۵>
تجربی	اعتماد بنیادین	۳۴۶	۰/۱۵۲	۰/۱۳۴	۰/۰۱<
	اعتماد بین‌شخصی	۳۴۶	۰/۱۲۳	۰/۱۱۲	۰/۰۵<
	اعتماد تعمیم‌یافته	۳۴۶	-۰/۰۳۹	-۰/۰۳۴	۰/۰۵>
	اعتماد نهادی	۳۴۶	۰/۱۵۳	۰/۱۳۷	۰/۰۱<
پیامدی	اعتماد بنیادین	۳۴۶	۰/۱۲۳	۰/۱۰۷	۰/۰۵<
	اعتماد بین‌شخصی	۳۴۶	۰/۱۰۹	۰/۰۹۹	۰/۰۵<
	اعتماد تعمیم‌یافته	۳۴۶	-۰/۰۱۵	-۰/۰۱۴	۰/۰۵>
	اعتماد نهادی	۳۴۶	-۰/۰۸۴	-۰/۰۷۴	۰/۰۵>
مناسکی	اعتماد بنیادین	۳۴۶	۰/۱۴۶	۰/۱۲۹	۰/۰۱<
	اعتماد بین‌شخصی	۳۴۶	۰/۱۵۷	۰/۱۴۵	۰/۰۱<
	اعتماد تعمیم‌یافته	۳۴۶	-۰/۰۸۶	-۰/۰۷۸	۰/۰۵>
	اعتماد نهادی	۳۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵>

اعتمادهای بنیادین و بین‌شخصی نیز در آنها بیشتر می‌شود. در ضمن، بُعد پیامدی دینداری، رابطه‌ای با اعتمادهای تعمیم‌یافته و نهادی نداشت.

- نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاوی- بی، حاکی از وجود رابطه مثبت بین بُعد مناسکی دینداری و اعتماد بنیادین (p<۰/۰۱، r_s=۰/۱۴۶) و اعتماد بین‌شخصی (p<۰/۰۱، r_s=۰/۵۷) است. یعنی هرچه بعد مناسکی افراد بیشتر باشد، میزان اعتمادهای بنیادین و بین‌شخصی در آنها بیشتر می‌شود. ضمن این‌که بُعد مناسکی دینداری رابطه‌ای با اعتمادهای تعمیم‌یافته و نهادی نداشت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۴) آزمون تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی برحسب جنسیت و محل زندگی

متغیر	t	df	MD	*p*
جنسیت	۰/۷۰۱	۰/۳۴۴	۰/۴۰۶۷۲	۰/۸۲۲
محل زندگی	۰/۳۵۵	۳۳۷	۰/۲۹۲۲۱	۰/۳۴۷

MD= اختلاف میانگین

فرضیهٔ ۲-۱) سطح اعتماد اجتماعی برحسب جنسیت و محل زندگی متفاوت است.

برای آزمون این فرضیه، به دلیل هدف مقایسهٔ اعتماد اجتماعی در دو گروه زن و مرد، و شهری و روستایی، از آزمون t با دو نمونهٔ مستقل استفاده شد که نتایج به قرار زیر بود:

– میزان اعتماد اجتماعی در بین مردان و زنان یکسان است و تفاوتی بین آنها وجود ندارد ($t=۰/۷۰۱$ ،$p<۰/۰۵$).

– در مورد تفاوت اعتماد اجتماعی برحسب محل زندگی نیز، تفاوتی بین ساکنین شهر و روستا وجود نداشت و میانگین اعتماد اجتماعی در هر دو گروه یکسان بود ($t=۰/۳۵۵$ ،$p<۰/۰۵$).

فرضیهٔ ۲-۲) سطح اعتماد اجتماعی برحسب سن و وضعیت اشتغال متفاوت است.

به علت اینکه تعداد طبقات دو متغیر سن و وضعیت اشتغال بیش از دو طبقه بود، به همین خاطر جهت آزمون فرضیهٔ (۲-۲)، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (F) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که:

میزان اعتماد اجتماعی در بین گروههای سنی گوناگون یکسان است و از این حیث تفاوتی بین آنها وجود ندارد ($F=۱/۳۹۶$ ،$p>۰/۰۵$).

اما در مورد تفاوت اعتماد اجتماعی برحسب وضعیت اشتغال، نتایج دلالت بر تفاوت میزان اعتماد اجتماعی برحسب وضعیت اشتغال داشت ($F=۸/۴۷۶$ ،$p<۰/۰۰۱$).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

جدول (۵) تحلیل واریانس تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی برحسب سن و وضعیت اشتغال

متغیر	واریانس	SS	df	MS	F	p
سن	بین‌گروهی	۱۷۱/۲۸۲	۵	۳۴/۲۵۶	۱/۳۹۶	>۰/۰۵
	درون‌گروهی	۸۰۰۱/۶۴۳	۲۳۶	۲۴/۵۴۵		
	جمع کل	۸۱۷۲/۹۲۵	۳۳۱	–		
وضعیت اشتغال	بین‌گروهی	۴۰۰/۴۶۸	۲	۲۰۰/۲۳۴	۸/۴۷۶	<۰/۰۰۱
	درون‌گروهی	۷۷۰۰/۹۹۳	۳۲۶	۲۳/۶۲۳		
	جمع کل	۸۱۰۱/۴۶۰	۳۲۸	–		

بحث

دین برای بسیاری از افرادی که در جامعه می‌زیند، مهم است. عقاید و ارزش‌های دینی بر عمل فردی و اجتماعی آنان و فهم و تفسیرشان از رفتار دیگران تأثیر دارد. همچنین، هنجارها و رفتارهای دینی افراد در سطوح خرد و حیات اجتماعی جامعه در سطح کلان را، متأثر می‌سازد. به عقیدهٔ گیدنز، مذاهب ارائه‌دهندهٔ اصول و تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی است که پیروان از طریق پذیرش، ایمان و علاقه به آنها، به سوی پیوند با یکدیگر سوق می‌یابند. این شرایط، مؤمنان را به سوی اعتماد، تأمین امنیت و حمایت متقابل سوق می‌دهد. گیدنز اظهار می‌دارد که باورهای مذهبی مهم‌ترین کارشان این است که معمولاً به رویدادها و موقعیت‌های اجتماعی، اعتماد تزریق می‌کنند و چارچوبی فراهم می‌آورند که رویدادها و موقعیت‌های اجتماعی را می‌توان تبیین کرد و در برابر آنها واکنش نشان داد. وبر نیز به اهمیت دین نه تنها به این خاطر که اخلاقِ کار ایجاد می‌کند، بلکه به این خاطر که شبکه‌هایِ اعتمادی به وجود می‌آورد که برای روابط تجاری و مبادله اقتصادی ضروری است، اشاره می‌کند. همچنین، زتومکا براساس تحقیقات خود، باور مذهبی را عامل مهمی‌در تقویت میل به اعتماد مطرح می‌نماید. لذا، در این پژوهش بر آن شدیم تا رابطهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

دینداری و اعتماد اجتماعی را مورد بررسی قرار دهیم که نتایج زیر حاصل شد:

نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاوی- بی، حاکی از وجود رابطهٔ مثبت بین ابعاد اعتقادی، پیامدی و مناسکی دینداری و اعتمادهای بنیادین و بین‌شخصی بود. همچنین، این نتایج حاکی از عدم رابطه بین ابعاد اعتقادی، پیامدی و مناسکی دینداری و اعتمادهای تعمیم‌یافته و نهادی بود. همچنین، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاوی- بی حکایت از وجود رابطهٔ مثبت بین بُعد تجربی دینداری و اعتمادهای بنیادین، بین‌شخصی و نهادی داشت. همچنین نتایج، حاکی از عدم رابطه بین بُعد تجربی دینداری و اعتماد تعمیم‌یافته بود. باتوجه‌به این نتایج، می‌توان گفت باتوجه‌به نظریه گیدنز، وبر و زتومکا، با بالارفتن میزان دینداری در هر یک از ابعاد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی، میزان اعتماد اجتماعی در دو بُعد اعتماد بنیادین و اعتماد بین‌شخصی افزایش خواهد یافت. اعتماد بنیادین، متغیری است که گیدنز آن را مطرح نموده و معتقد است در عرصه‌های پُرمخاطرهٔ دنیای مدرن، نقش اساسی در اعتماد فرد به دیگران دارد. به اعتقاد گیدنز، اعتماد بنیادین، اعتماد به دنیای عینی و ملموس و همچنین اعتماد به همیشگی‌بودن دیگران است که از تجربیاتِ نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد. در این پژوهش نیز، اعتماد بنیادین برطبق نظریه گیدنز، با ابعاد دینداری رابطه داشت. بنابراین، افرادی که دارای دینداری بالاتری بودند، افرادی بودند که از کودکی دارای اعتماد بنیادین بودند. جانسون معتقد است که اعتماد، یک خصیصهٔ شخصیتی ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه جنبه‌ای از روابط اجتماعی است که مدام در حال تغییر و پویایی است و این اعمال اجتماعی افراد است که سطوح اعتماد را در روابط اجتماعی آنها افزایش یا کاهش می‌دهد. همچنین، اعمال اجتماعی آنها در ایجاد و حفظ اعتماد در روابط دوسویه و کنش‌های هر دو طرف، از اهمیت زیادی برخوردار است.

در این پژوهش، برطبق نظریهٔ جانسون، ابعاد دینداری با اعتماد بین‌شخصی نیز رابطه داشتند. بنابراین، افرادی که دارای دینداری بالاتری بودند، از اعتماد بین‌شخصی بالاتری نیز

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

برخوردار بودند. اعتماد تعمیم‌یافته، متغیری است که گیدنز آن را در نظریه «رابطهٔ نابِ» خود مطرح نموده است. به زعم وی، ارتباط ناب، منوط به اعتماد متقابل است. در ارتباطِ ناب، اعتماد، چیز مطمئن و از پیش تعیین‌شده‌ای نیست و نمی‌تواند باشد. در دنیای متجدد کنونی، رابطهٔ ناب اهمیت خاصی در امر خودسازی یافته است؛ اما در این پژوهش، رابطهٔ دینداری و اعتماد تعمیم‌یافته، تأیید نشده است. براساس نظر افه، دلیل این‌که برخی به هیچ کس اعتماد نمی‌کنند، این نیست که دیده‌اند که همه شایسته اعتماد نیستند، بلکه بدین دلیل است که ناتوانی نهادها را در اجرای نقش سازنده و نظارتی خود مشاهده کرده‌اند. درخصوص تناقضی که بین رابطهٔ ابعاد دینداری و اعتمادهای تعمیم‌یافته و نهادی مشاهده می‌شود، شاید این تفسیر درست باشد که یا دینداری در جامعه آماری عمیق نیست یا اینکه محیط زندگی چنان از نظر اعتماد، ضربه دیده است که حتی دینداری افراد قادر به اقناع آنها در جهت حسن ظن به دیگر افراد جامعه نیست. البته در تحقیقی که توسط صادقی ده‌چشمه (۱۳۸۸) در استان چهارمحال بختیاری و قم انجام گرفته، میزان دینداری با اعتماد اجتماعی رابطهٔ مستقیم داشت. به طور کلی، مذهب، هنوز هم یکی از منابع مهم اعتماد افراد به‌خصوص در حیطهٔ روابط بین‌شخصی و خانوادگی محسوب می‌شود. نتایج طرح ملی پیمایش ارزشها و نگرش‌های اجتماعی مردم ایران در ۲۸ استان نیز نشان داد که روابط درون‌گروهی در حد بسیار بالایی در ایران وجود دارد.

نتایج آزمون **t** با دو نمونهٔ مستقل، بیانگر عدم تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی برحسب جنسیت و محل زندگی بود که با نظریه سلیگسون و سالازار مبنی بر سطوح بالای اعتماد در بین روستائیان و سطوح پایین اعتماد در بین شهرنشینان، همخوانی ندارد. همچنین، نتایج تحقیق تبریزی (۱۳۸۸)، مبنی بر عدم رابطه بین جنسیت و اعتماد اجتماعی، تأیید می‌شود.

نتایج آزمون تحلیل واریانس نیز نشان داد که واریانس درون‌گروهی و بین‌گروهی، میانگین اعتماد اجتماعی برحسب سن تفاوت نمی‌پذیرد. نتایج تحقیقات بختیاری (۱۳۸۹)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

و تبریزی (۱۳۸۸) نیز، عدم رابطه بین سن و اعتماد اجتماعی را تأیید می‌کند. همچنین این نتایج حاکی از وجود تفاوت واریانس درون‌گروهی و بین‌گروهی میانگین اعتماد اجتماعی برحسب وضعیت اشتغال بودند. برطبق نظریه زتومکا، موقعیت شغلی باثبات و قابل‌اطمینان اهمیت زیادی در اعتمادپذیری دارد و در نتیجه، دستیابی به موقعیت شغلی باثبات، جهت‌گیری مورد اعتمادتری را نسبت به جهان، پیشه کند. افراد شاغل، بیشتر از افراد بیکار اعتماد دارند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

منابع و مآخذ References

-افه،ک. (۱۳۸۴)، چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟، در: تاج‌بخش، ک. (ویراستار). ***سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه***. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه

-امیرکافی، م. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. ***فصلنامه نمایه پژوهش***، شماره ۱۸.

-اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). ***تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی***. ترجمهٔ مریم وتر، تهران: انتشارات غدیر.

-بختیاری، م. (۱۳۸۹). اعتماد اجتماعی و رابطه برخی عوامل اجتماعی با آن: مطالعه موردی شهر قم. ***نشریه مطالعات فرهنگی و اجتماعی***، پیش شماره دوم، ۶۵-۹۲.

-جعفری، م. (۱۳۷۷). ***بحثی درباره سکولاریسم***. تهران: انتشارات تبیان.

-دورینگ، هربرت (۱۳۸۰). ***ابعاد اطمینان در مؤسسات اروپای غربی در مقایسه با تحقیق پیمایشی بین‌المللی ارزشها در سال ۱۹۸۱***. ترجمهٔ اسماعیل بلال و همکاران، نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸.

-زتومکا، پ. (۱۳۸۶). ***اعتماد: نظریه‌های جامعه‌شناسی***. ترجمهٔ غلامرضا غفاری، تهران: انتشارات شیرازه.

-سراج‌زاده، ح. (۱۳۸۳). ***چالش‌های دین و مدرنیته***. تهران: انتشارات طرح نو.

-ساعی، ع. (۱۳۹۰). ***تحلیل فازی اعتماد اجتماعی***. مطالعهٔ موردی اعتماد شهروندان به شهرداری. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

-صادقی ده‌چشمه، س. (۱۳۸۸). سنجش اعتماد اجتماعی و بررسی عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهار محال و بختیاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

-غفاری، غ. (۱۳۸۳). ***اعتماد اجتماعی در ایران***: تحلیل یافته‌های پیمایش ارزشها و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]

منابع و مآخذ References

نگرشهای ایرانیان، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرحهای ملی.

- فیلد، ج. (۱۳۸۶). ***سرمایهٔ اجتماعی***. ترجمهٔ غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: انتشارات کویر.

- فاتحی، ا. (۱۳۸۳). تأثیر سرمایهٔ اجتماعی بر هویت اجتماعی دانشجویان در شهر تهران. ***نشریه پژوهشی دانشگاه اصفهان***، شماره ۱۷، ۵۹-۹۲.

- قدیمی، م. (۱۳۸۶). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان. ***نشریه شناخت زبان و ادبیات***، شماره ۵۳، ۳۲۵-۳۵۶.

- گیدنز، آ. (۱۳۷۸). ***پیامدهای مدرنیته***. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

- گیدنز، آ. (۱۳۸۳). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمهٔ ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

- محسنی تبریزی، ع. و شیرعلی، ا. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان خارج از کشور: موردپژوهی دانشگاه‌های کشور آلمان. ***نشریهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی***، شماره ۵۲، ۱۵۱-۱۸۰.

- هزارجریبی، ج. و مروتی، ن. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی: مطالعهٔ موردی دانشجویان دانشگاه علامهٔ طباطبایی و دانشگاه تهران. ***نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی***، شماره ۷، ۲۷-۶۶.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-09]